

بیانیه شماره ۲ پیرامون

انتخابات مجلس شورای اسلامی

بسمه تعالی

هموطنان عزیز:

انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی، جمهوری اسلامی و انقلاب ملت ما را بر سر دو راهی بزرگ و سرنوشت‌سازی قرار داده است که می‌تواند به حاکمیت مردم و یا خدای نخواستہ بازگشت به استبداد منتهی گردد.

یکی از اساسی‌ترین خواستها و آرمانهای ملت ایران در مبارزات سالیان دراز خود علیه رژیم خودکامه استبداد سلطنتی احراز حق حاکمیت به معنای شرکت آزادانه تمامی اقشار مردم در تعیین سرنوشت خویش بوده است. با سقوط استبداد سلطنتی و اعلام استقرار جمهوری اسلامی این آرمانها به صورت اصول قانون اساسی تدوین و به عنوان خونهاهای شهدای انقلاب و میثاق اجتماعی میان مردم و حکومت تصویب گردید.

بندهای ۶ و ۷ و ۸ اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را به شرح زیر موظف می‌سازد که تمام امکانات خود را برای تحقق این اهداف و آرمانها به کار برند:

«بند ۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

بند ۷- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

بند ۸- مشارکت عامه در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.»

هدفهای یاد شده در این سه بند، ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند به صورتی که تحقق یک بند بدون

دیگری امکان‌پذیر نبوده و تحقق واقعی هر بند، تحقق بندهای دیگر را ممکن می‌سازد.

به عبارت دیگر، مشارکت عامه مردم از هر قشر و گروه و جماعتی در تعیین سرنوشتشان میسر

نمی‌شود مگر زمانی که آزادیهای سیاسی و اجتماعی و کلیه حقوق ملت، به شرحی که در فصل سوم قانون

اساسی آمده است، تأمین گشته و مردم در استفاده از این آزادیها احساس امنیت کنند و همگان از تمام

امکانات بطور مساوی استفاده کنند، و اگر چنین بشود، یعنی حقوق ملت و آزادیهای مصرحه در قانون

اساسی تأمین گردد، مشارکت عامه مردم عملاً و بی‌تکلف تحقق پیدا خواهد کرد. در آن صورت همانطور

که در سایر انقلابهای جهان و کشورهای دیگر دیده شده است و امام نیز تصریح فرموده‌اند که دیکتاتوری

تدریجاً تحقق پیدا می‌کند: استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی در هر شکل و هیئت وزیر هر پوشش که

خودنمایی کند، محو خواهد گردید. ولی اگر مردم احساس کنند که امنیت و آزادی ندارند، مسلماً به تدریج

دلسرد شده و حالت بی‌تفاوتی پیدا نموده و در آغاز خود را از هر گونه تعهد و فعالیت‌های اجتماعی و از

جمله شرکت در انتخابات کنار می‌کشند و سپس وقتی تجاوزات به حقوق اساسی آنان ملموس‌تر شده و نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که خود زاییده گسترش انحصارطلبی و خودکامگی حکام و محو آزادیهای فردی و اجتماعی است، ادامه یافته لاجرم احتمالاً عصیانها و تشنجاتی به وجود خواهد آمد که نه دولتمردان را سودی بخشد و نه مردم را خوشایند باشد.

بر این پایه است که همانطور که رهبر انقلاب در بیانات اخیر خود خطاب به فرمانداران اشاره فرمودند، مردم مسلماً می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند، می‌خواهند سرنوشتشان را خود تعیین کنند، آنها می‌دانند که حل مشکلات و تمام مسائل در مجلس منتخبین خودشان است و اصولاً مردم به منظور تحقق این امر انقلاب کرده‌اند و هنوز هم اکثریت مردم به انقلاب خود وفادار بوده و علاقمندند که در سرنوشت آن شرکت بکنند.

اما متأسفانه به دلیل وضع موجود بسیاری از مردم به امکان اعمال و تأثیر نقش خود اطمینان ندارند و علیرغم وعده‌های مکرر و پی‌درپی مقامات عالی‌ه، احساس آزادی و امنیت لازم برای شرکت در انتخابات را نمی‌نمایند. این امر برای آینده انقلاب و جمهوری اسلامی قطعاً نگران کننده است.

این یک نگرانی عمومی و همگانی است. بیانات رهبر انقلاب و حضرت آیت‌الله منتظری و ریاست جمهوری و سایر مقامات مملکتی نیز بیانگر این نگرانیها می‌باشد. آقای هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه تأکید کردند که «انتخابات تحمیلی نخواهد بود و شایعاتی از این قبیل که اگر شناسنامه مهر نداشته باشد چنین و چنان می‌شود و کوپین ارزاق عمومی نمی‌دهند و... دروغ است و چنین نخواهد شد. هرکس خواست رأی بدهد و هرکس که نخواست رأی ندهد، کسی مزاحم او نخواهد شد.»^۱ تأکیده‌های مکرر بر ضرورت آزادی انتخابات و بیان اینکه دولت در انتخابات دخالت نخواهد کرد، کسی به زور بر مردم تحمیل نخواهد شد، و روحانیت نمی‌خواهد به عنوان قییم و متولی مردم و به جای مردم تصمیم گیرنده باشد، همه اینها در واقع تلاشهایی هستند که به منظور اطمینان دادن به مردم از آزاد و سالم بودن انتخابات انجام می‌گیرند.

اما آیا همانطور که در بیانیه شماره یک نمونه‌های آن را نشان داده‌ایم، صرف این گفتن‌ها و وعده‌ها کافی است و مردم به آنان اعتماد کرده، آزادی انتخابات را باور خواهند نمود؟ یا اینکه علاوه بر گفتن و وعده دادن لازم است اقداماتی محسوس و ملموس انجام پذیرد تا مردم ببینند، حس کنند و قانع شوند. اقداماتی که تنها محدود به چند روز برگزاری انتخابات نباشد، بلکه از ماهها قبل از برگزاری انتخابات انجام گیرد، تا اطمینان و اعتماد را در عموم به وجود آورده زمینه را برای شرکت عامه مردم فراهم سازد.

یکی از اصول مشهور فقهی این است که مقدمه هرکار واجبی، واجب است و بنابر آنچه از بزرگان شنیده و خود نیز بدان معتقدیم شرکت در تعیین سرنوشت و انتخابات نیز در صورت وجود شرایط یک واجب سیاسی و اجتماعی است. و بر این پایه آماده ساختن مقدمات این امر یعنی برقراری آزادی و تضمین امنیت نیز واجب می‌باشد. زیرا انتخاباتی که مورد نظر رأی‌دهندگان به جمهوری اسلامی و قانون اساسی است، بدون تحقق و اجرا و تأمین آزادیهای مصرحه در فصل سوم قانون اساسی، امکان‌پذیر نخواهد بود. بی‌جهت نیست که آیت‌الله منتظری می‌گویند:

۱. خطبه‌های نماز جمعه - روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۲/۸/۱۲

«آزادی انتخابات مجلس شورای اسلامی باید برای ما یک اصل باشد.»^۱

وقتی آیت‌الله منتظری می‌گویند کاری نکنید که مردم احساس یا خیال کنند که کسانی مشغول تصمیم‌گیری درباره سرنوشت آنها هستند و یا روحانیون به جای مردم می‌خواهند اقدام و عمل نمایند، دولتمردان را دعوت به ایراد خطابه و دادن وعده و سوگند خوردن به وجود آزادی نمی‌کنند، بلکه می‌گویند باید در این راه اقدامات ملموس و محسوس صورت گیرد. هنگامی که مردم می‌بینند و در عمل نیز لمس می‌کنند که تمام آزادیها و امکانات فقط و فقط در اختیار گروه حاکم و روحانیون و شخصیت‌های موافق و وابسته قرار گرفته و غیر موافقین با دولتمردان و حاکمیت از این امکانات و آزادیها و حتی امنیت اعتراض محرومند، چگونه می‌توانند باور کنند که انتخابات دوره دوم آزاد بوده و این یا آن گروه و قشر به عنوان متولی و قیم برای آنان تصمیم نگرفته و یا نخواهند گرفت!! و با چنین ناباوری چگونه می‌توانند خود را قانع کنند که در انتخابات شرکت نمایند؟! به ویژه که بعضی از مقامات حق تعیین نامزدهای انتخاباتی را منحصر به یک یا چند گروه می‌شمرند و به خود حق می‌دهند اعلام کنند که اجازه نخواهند داد دیگران به مجلس راه یابند.

رهبر انقلاب توصیه می‌فرمایند که:

«اگر هم کسانی که در رأس بودند، پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل بکنید لکن شما به نظرتان درست نباشد جایز نیست برای شما تبعیت کنید، باید خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا اینکه بتوانید رأی بدهید.»^۲

اما در شرایطی که آزادی بحث و انتقاد سالم و بررسی اعمال و رفتارها وجود نداشته باشد و نامزدهای مستقل و مخالف نتوانند سوابق، افکار و خدمات و نظرات خود را به عموم عرضه نمایند، مردم کجا می‌توانند فرد صحیح و خادم ملت و مملکت و صالح برای نمایندگی را از شخص فرصت طلب، متملق، ریاکار و یا انقلابی و مسلمان بعد از انقلاب تشخیص دهند؟ و در شرایطی که کلیه ابزار و امکانات تبلیغاتی اعم از روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون و مسجد و منبر و حق برگزاری سمینار و بحث و بررسی صرفاً در اختیار وابستگان به حاکمیت است، مردم به چه طریق قادرند از واقعیت عملکردها، آگاهی پیدا کنند تا خادم را از خائن تشخیص بدهند؟ حال اگر هم شرایط انتخاب شوندگان به وضوح روشن شده ولی راهی برای تشخیص وجود یا عدم این شرایط نباشد، توضیح شرایط دردی را دوا نخواهد کرد.

آیت‌الله منتظری با صراحت اعلام می‌کنند که:

«... برای یک نماینده مجلس در شرایط فعلی انقلاب، باید علاوه بر داشتن اینها عقل سیاسی و اطلاع از اوضاع سیاسی دنیا و امانت و قدرت تفکر هم باشد... یک نماینده مجلس باید علاوه بر داشتن امانت و دیانت از نظر فهم و شعور سیاسی و عقل اجتماعی و تدبیر و کفایت قوی باشد، تا هم مسائل روز و نیاز کشور و انقلاب را درک کند و هم در برابر دشمن و جریان‌های مختلف بایستد، تحت تأثیر قدرتها و اشخاص قرار نگیرد.»

بی شک بیان شرایط فوق جالب و لازم است اما صرف تعیین این شرایط برای رسیدن به مقصود کافی

1 - آیت‌الله منتظری در دیدار با نخست وزیر و اعضای شورای عالی کشاورزی - روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۲/۱۰/۱۵

2- رهبر انقلاب در دیدار با فرمانداران و بخشداران سراسر کشور، روزنامه کیهان، ۶۲/۱۰/۱۴

نیست. باید روشن شود که مردم چگونه می‌توانند عقل سیاسی و اطلاع و آگاهی نامزدها از اوضاع سیاسی دنیا و منطقه و ایران و قدرت تفکر آنها را ارزیابی کنند؟ آیا جز از طریق جو سالم و بحث آزاد و تبادل نظر درباره مسائل کشور چنین امری ممکن است؟

جمهوری اسلامی با مشکلات و مسائل پیچیده متعددی روبروست. برای مردم ما سئوالات گوناگونی مطرح است. مهمترین مسئله کشور جنگ است و مهمترین سؤال این است که جنگ چگونه باید با حفظ کلیه مصالح و منافع ملت ایران و با توجه به اهداف و احکام شرع انور خاتمه پذیرد؟ مردم باید بدانند که کسانی که می‌خواهند به نمایندگی آنها به مجلس بروند درباره این مسئله حیاتی چه فکر می‌کنند؟ چه راه‌هایی را ارائه می‌دهند؟ لازم است روشن شود روابط ایران با سایر کشورها چگونه است و آیا نامزدهای نمایندگی با وضع موجود آشنا و بدان خشنودند یا روابطی دیگر و راه‌های دیگری پیشنهاد می‌کنند.

نامزدهای انتخاباتی باید با بیانیه‌های الجزایر که ایران را یکطرفه در برابر آمریکائیان متعهد و ملتزم ساخته است، آشنا باشند و به مردم بگویند موضع آنان در برابر این قرارداد و امضاءکنندگان آن چیست؟ و چرا اصولاً چنین بیانیه‌ای امضا شد؟ ایجاد جو و محیط باز و مناسب برای بحث منطقی و دور از شعارهای تو خالی و اظهارنظر نامزدهای انتخاباتی قطعاً می‌تواند به شرکت مردم و شناسایی آنان از نامزدها کمک کند، تا میزان فهم و درک سیاسی آنها را بسنجند و به توصیه آیت‌الله منتظری عمل کنند.

علاوه بر مسئله جنگ و سیاست خارجی، کشور با مشکلات و مسائل اقتصادی عظیمی از قبیل تورم، رکود، کمبود، تولید، سوءتوزیع، افزایش واردات و کاهش صادرات، حجم روزافزون پول در گردش، امنیت قضایی، شغلی، اجتماعی و... دهها مسئله مشابه روبرو است. بر طبق اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی موظف است کلیه امکانات خود را به کار اندازد تا سطح آگاهی مردم را در این مسائل بالا برد. یکی از راههای انجام این وظیفه دعوت از صاحب‌نظران، اعم از موافق و مخالف حاکمیت و تشکیل میزگرد و بحث آزاد و به دور از شعارهای دهان پرکن ولی فاقد محتوا است. به کار گرفتن این راه اجازه می‌دهد مردم بفهمند چه کسانی به مسائل دنیا و منطقه آگاهی دارند و می‌توانند با نظرات خود راهگشای حل مشکلات باشند و اعتقاد و تعهدات آنان در راه حل آینده مسائل چیست؟

اما آیا می‌توان در شرایط فقدان آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی به چنین امری دست یافت؟ در شرایطی که زبانهای غیرموافق حاکمیت آزادی بیان ندارند، غیر موافقین دولتمردان از امکانات لازم بی‌بهره‌اند، روزنامه ندارند، اجازه برگزاری میتینگ و سمینار و بحث درباره انتخابات ندارند و از توزیع نشریات قانونی آنان بطور غیرقانونی جلوگیری می‌کنند، چگونه مردم می‌توانند به وجود ویژگیهایی که باید یک نماینده و مسئول در جمهوری اسلامی دارا باشد و آیت‌الله منتظری برشمرده‌اند پی ببرند؟ مخصوصاً اگر دائماً تبلیغات یک طرفه‌ای علیه آنان وجود داشته باشد.

مردم شنیدند و خواندند که از یک طرف از برگزاری «سمینار تأمین آزادی انتخابات» نهضت آزادی با فضاحت و قانون‌شکنی و ضرب و شتم و غارت جلوگیری شد و چه داستانها برای توجیه این قانون‌شکنیها که نساختند! گفتند نهضت قصد میتینگ داشته!! در دلیل آن هم اینکه در سطح شهر دعوتنامه عمومی پخش کرده است. ما را متهم ساختند که خواسته‌ایم «میتینگ» بدهیم و اظهار نگرانی کردند که لابد بعد از میتینگ انتشار «روزنامه» را نیز درخواست خواهند نمود!؟

مردم این حوادث، اتهامات و موضع‌گیری‌ها را دیده و شنیده‌اند ولی اکنون می‌بینند که گروه‌های وابسته به حاکمیت «سمینار» تشکیل می‌دهند. اطلاعیه‌های عمومی برای تشکیل آن در سطح شهرها پخش می‌کنند. کمیته‌های برگزاری انتخابات تشکیل داده‌اند و در همه این کارها هم آزادند. نه به کسب مجوز از وزارت کشور نیازی دارند و نه پخش اطلاعیه برگزاری سمینارشان «میتینگ» تلقی شده مستوجب حمله گروهی مسلح و غیرمسلح به عنوان «مردم» می‌شود و نه دادستانی انقلاب دستور جمع کردن و جلوگیری از نشریات انتخاباتی‌شان را می‌دهد.

در اینجا برای آنکه نشان دهیم که کسی را ما بی‌اساس به انحصارطلبی و تبلیغات یک‌طرفه متهم نموده‌ایم، نمونه‌ای از اطلاعیه برگزاری «سمینار انتخاباتی» روحانیون مبارز اصفهان را که به طور آزادانه در سطح شهر توزیع نموده‌اند، عیناً در صفحه بعد می‌آوریم تا خوانندگان خود به داوری بنشینند.



بند ۱۶ از اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی را موظف نموده است که همه امکانات خود را برای «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» بکار برد. اما وقتی مردم اینگونه رفتارهای متضاد و یک بام و دو هوا را از جانب دولتمردان می‌بینند معلوم است که نگران، بی‌تفاوت و ناباور می‌شوند و آیت‌الله منتظری به حق اظهار نگرانی می‌کنند که:

«... ممکن است برای جلوگیری از انتخابات یک فردی که به نظر شما مثلاً ناجور است اقدامی بشود و رأی نیارود ولی در این صورت ممکن است کل انتخابات زیر سؤال برود و در داخل و خارج بگویند انتخابات آزاد انجام نشد...»

«... اگر فرضاً چند نفری ناجور هم توانستند به مجلس بروند، نمی‌توانند ضرری برای مجلس و انقلاب داشته باشند. ضرر دست زدن به بعضی کارها و اعمال فشار به منظور انتخاب نشدن افرادی که به نظر عده‌ای صالح نیستند از ضرر خدشه دار نمودن کل انتخابات به مراتب بیشتر است و این وظیفه همه است که کاری نکنند که در این شرایط که دشمن از هر راهی درصدد ضربه زدن به انقلاب است بهانه به دست آورد و انتخابات آینده ما را مخدوش و غیرآزاد معرفی نمایند...»

این گفته جان کلام و خلاصه حرف ماست. حرفی است که آقای مهندس بازرگان در مرداده ماه گذشته در مجلس شورای اسلامی اعلام داشته و با اظهار آن سیل حملات را به جان خریدند. به سخن دیگر، اگر دولتمردان و حاکمیت تغییر شیوه و روش ندهد و کار را با وضعی که فعلاً حاکم است ادامه داده، برای جلوگیری از شرکت و انتخاب افرادی که به نظر دولتمردان «ناجور» هستند، اعمال سلیقه نموده و آنان را از کلیه امکاناتی که قانوناً حق آنان است محروم سازند، قطعاً انتخابات آینده مخدوش و غیرقابل قبول خواهد بود. شعارها و مصاحبه‌ها و تکرار جمله «آزاد است» و قسم خوردن که آزاد است، شیرین است، هیجان انگیز است، پرشور است، آزادترین است و... باور نخواهد شد، بلکه نتیجه عکس خواهند داد.

بسمه تعالی

—•••••—

سعی کنید مثل مشروطه سستی

نشود
امام خمینی

سمینار بررسی مسائل ان‌تخابات مجلس شورای اسلامی

همراه با سخنرانی یکی از شخصیت‌های

مذهبی سیاسی کشور

همه هفته‌ها شنبه‌ها ساعت ۳ بعد از ظهر

مدرسه علمیه امام جعفر صادق (ع) خیابان چهارباغ

جامعه روحانیت مبارز اصفهان

از اثرات اعمال این روش‌های غیراسلامی رایج این بوده است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان فعلی مجلس که تعدادشان به مراتب بیشتر از مخالفان شناخته شده دولتمردانند، حاضر به قبول نامزدی و انتخاب مجدد برای مجلس شورای اسلامی نیستند و در برابر درخواست شرکت در انتخابات با زبان حال و مقال می‌گویند که نه به آزادی و صحت انتخابات اطمینان دارند و نه به آزادی و امکان خدمت در مجلس آینده امیدوارند.

مقامات مسئول مملکتی می‌گویند نباید در زمان برگزاری انتخابات علیه نامزدها تبلیغات منفی کرد، توهین نمود، تهمت زد، اما مردم می‌پرسند که آیا در جمهوری اسلامی حرمت چنین اعمالی منحصر به روزهای برگزاری انتخابات است و در سایر ایام استفاده از تهمت، دروغ و افترا علیه گروه‌ها و افراد غیرموافق با حاکمیت مباح و شرعی است؟

هموطنان عزیز،

برگزاری انتخابات در شرایطی که مقدمه لازم آن یعنی احساس آزادی و امنیت فراهم نشده است، نه در خدمت جمهوری اسلامی و نه به نفع کارگزاران و مقامات مسئول خواهد بود. نهضت آزادی ایران به حکم وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر و به حکم اعتقاد و علاقه‌ای که به سرنوشت جمهوری اسلامی

ایران داشته و دارد و با هدف بهروزی و سعادت ملت ایران، تلاش نموده است تا زمینه برای تأمین آزادیهای مصرحه در قانون اساسی فراهم گشته و رفع نگرانیها شود. خواسته‌ها و اقدامات نهضت در زمینه آزادی انتخابات آزمایشی در این راه بوده است. اگر دولت به ما امکان و اجازه تبلیغات و روزنامه و سمینار و میتینگ می‌داد، مردم عملاً می‌دیدند که برای غیروابستگان به حاکمیت و غیرموافقین نیز آزادی و امنیت وجود دارد و بر این پایه وعده‌های آزادی انتخابات را باور می‌کردند. در اثر برخورد آراء و عقاید و بررسی و تحلیل عملکردهای مقامات در زمینه مسائل مملکتی از جمله جنگ، تورم، تولید و توزیع، واردات و صادرات، حجم پول در گردش، سیاست خارجی و روابط با کشورها، امنیت قضایی و شغلی و اجتماعی و... عملاً آگاهی و بینش سیاسی پیدا می‌نمودند و می‌توانستند به وسایل تشخیص بهتر و جامع‌تر در انتخابات مجهز شده فعالانه شرکت کنند. ولی مع‌الاسف اقدامات و تنگ‌نظریهای دولت تا کنون در این جهت نبوده و درست برخلاف توصیه‌ها و پیشنهاداتی است که از طرف رهبر انقلاب و آیت‌الله منتظری عمل شده است، نه تنها سمیناری از طرف غیرموافقین انجام نشده که درخواست تشکیل آن را مستمسکی برای حمله به نهضت و تخریب و بردن اموال و اسناد قرار دادند، و با تقاضای مجدد ما برای تشکیل سمینار درباره انتخابات، علیرغم عدم منع قانونی و تشکیل نظایر آن توسط موافقین، مخالفت کرده‌اند و به تقاضاهای مکرر ما برای انتشار روزنامه و یا مجله ترتیب اثر نداده‌اند.

آیا در چنین شرایط باز هم می‌توانند ادعا کنند که انتخابات آزاد خواهد بود و مردم با رغبت و اطمینان مشارکت خواهند کرد؟

هموطنان عزیز

بخاطر خدا و برای صیانت و حفظ جمهوری نوپای اسلامی در راه تأمین آزادی انتخابات بکوشید.

زیرا:

بقای جمهوری اسلامی به انتخابات آزاد بستگی دارد.

ربنا و لاتحمل علینا ما لا طاقت لنا به واعف عنا

نهضت آزادی ایران

۶۲/۱۱/۳